



تقریر درس خارج فقه الزکاة آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام	قادر بریسم	جلسه	۲۶	تاریخ	۱۴۰۳ / ۰۹ / ۰۵
عنوان ۱	فقه الزکاة الخاص					
عنوان ۲	زکات الأموال					
عنوان ۳	شرایط وجوب زکات الأموال					
عنوان ۴	فروع شروط وجوب زکات					
عنوان ۵	ادامه بحث در فروع مترتب بر استحباب زکات در مال صبی					
عنوان ۶	مفهوم تجارت با مال صبی					
عنوان ۷	فرع سوم: بررسی استحباب زکات غلات توسط صبی ممیز					
عنوان ۸	فرع چهارم: امکان اخراج صدقه مستحبیه توسط صبی ممیز					
عنوان ۹	صحیحہ زراہ					

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

درآمد بحث

در ادامه مباحث مربوط به فروع مترتب بر استحباب زکات در مال صبی، به چند نکته مهم اشاره شد. در فرع اول، به این نکته اشاره کردیم که ولی می تواند با مال صبی تجارت کند. این اقدام به او این امکان را می دهد که ربح حاصل از این تجارت را برای صبی در نظر بگیرد. همچنین ولی می تواند به صورت مضاربه با مال صبی تجارت کند و ربح را بین خود و صبی تقسیم نماید، به گونه ای که غبطه صبی رعایت شود. این نکته حائز اهمیت است که تقسیم ربح باید به نحوی باشد که منافع صبی تأمین گردد. ولی می تواند خود به عنوان عامل در مضاربه عمل کند و از مال صبی استفاده نماید. در این حالت، او مسئولیت مدیریت و بهره برداری از سرمایه صبی را بر عهده دارد. علاوه بر این، ولی می تواند مال صبی را به شخص دیگری واگذار کند تا آن فرد به عنوان عامل مضاربه عمل کند. در این صورت نیز باید نسبتی از ربح برای صبی در نظر گرفته شود، زیرا غبطه صبی در این نوع تجارت نیز مدنظر قرار دارد و در نهایت موجب رشد و افزایش مال صبی خواهد شد.

ادامه بحث در فروع مترتب بر استحباب زکات در مال صبی

در ادامه مباحثی که دیروز مطرح شد، به این نکته می‌پردازیم که اگر ولی با مال صبی تجارت کند، مستحب است که زکات آن را از مال صبی خارج کند. به عبارت دیگر، پس از انجام تجارت و کسب ربح، ولی باید زکات را پرداخت نماید.

مفهوم تجارت با مال صبی

لازم به ذکر است که وقتی از تجارت با مال صبی سخن می‌گوییم، منظور ما صرفاً مطلق بیع و شراء نیست. به عنوان مثال، اگر صبی دارای مواشی باشد و تعدادی از گاوها یا گوسفندهای خود را بفروشد، این عمل به عنوان تجارت محسوب نمی‌شود. در این حالت، اگر ولی به منظور ذبح یا هر مصلحت دیگری اقدام به فروش مواشی صبی کند، این فروش شامل زکات نمی‌گردد. نه خود مواشی زکات دارد و نه ثمن حاصل از فروش آن مشمول زکات می‌شود. همچنین استحباب زکات در این مورد نیز ثابت نیست.

اگر ولی با نقدین صبی اقدام به خرید کند، این عمل نیز به عنوان به کار بستن نقدین به شمار می‌آید و زکات به آن تعلق نمی‌گیرد. چون قبلاً اشاره کردیم به نقدین صبی نه وجوباً و نه استحباباً زکات تعلق نمی‌گیرد. به عبارت دیگر، اگر ولی بخواهد با نقدین صبی کالایی خریداری کند، این عمل به خودی خود تجارت محسوب نمی‌شود، به ویژه اگر هدف او حفظ ارزش پول صبی باشد. به عنوان مثال، اگر ولی خانه‌ای بخرد تا ارزش پول صبی حفظ شود، این عمل تجارت محسوب نمی‌شود.

تجارت به معنای خرید و فروش کالا به صورت مستمر و با هدف کسب سود است. بنابراین، اگر ولی فقط به منظور جلوگیری از کاهش ارزش پول صبی، کالایی خریداری کند و آن را نگه دارد، این عمل شامل تجارت نمی‌شود و به تبع آن، زکات نیز به آن مال تعلق نمی‌گیرد. به دیگر سخن این خرید و فروش شامل روایات استحباب زکات از مال التجاره صبی نمی‌شود. این در تکمله فرع دیروز و امروز فرع دیگری را مطرح می‌کنیم.

این را گفتیم که یستحب اخراج زکاة مال الصبی. به طور خاص، اگر این مال، غلات صبی باشد یا مالی باشد که «یتجر به»، یعنی نقدینی دارد که با آن تجارت صورت می‌گیرد، استحباب زکات در این دو مورد ثابت است. یکی از این موارد به مقتضای موثقه ابی بصیر و دیگری به موجب روایاتی است که در خصوص استحباب زکات از مال صبی در صورت تجارت به آن اشاره شده است.

حال اگر مالی وجود داشته باشد که هیچ یک از این دو صفت را نداشته باشد، یعنی مال صبی است؛ اما نه غلات است و نه مالی که «یتجر به»، مانند نقدین یا مواشی، در این صورت می‌گوییم که این مال شامل استحباب زکات نمی‌شود. زیرا اطلاقات «لا زکاة فی مال الصبی» هم زکات استحبابی را نفی می‌کند و هم زکات وجوبی را. عبارت «لا زکاة مطلقاً» به وضوح نشان می‌دهد که حتی زکات استحبابی نیز از این قاعده مستثنی نیست.

بنابراین، این فرع حکایت از آن دارد که استحباب اخراج زکات از مال صبی تنها مخصوص غلات و مالی است که «یتجر به» آن انجام می‌شود و شامل غیر غلات و غیر مالی که «یتجر به»، نخواهد شد. این نکته به ما کمک می‌کند تا تکلیف فرع سوم را نیز مشخص کنیم.

فرع سوم: بررسی استحباب زکات غلات توسط صبی ممیز

در اینجا به بررسی فرع سوم این مسأله می پردازیم. با توجه به اینکه بیان کردیم مستحب است ولی و صبی، زکات را از مال صبی در زمینه غلات و اموالی که در آن تجارت می شود، خارج کنند، سؤال این است که اگر این صبی، صبی ممیز باشد، آیا می تواند به طور مستقل و بدون اذن ولی یا وصی، زکات غلات خود را استخراج و پرداخت کند؟ استحباب زکات غلاتی که در مورد مال صبی مطرح شد، آیا شامل اخراج زکات توسط خود صبی نیز می شود یا خیر؟ مقتضای اطلاق موثقه ابی بصیر در مورد غلات، بیان می کند که «فأما الغلات فالصدقة فيها واجبة» و این اطلاق به طور کلی است و تصریح نمی کند که این وجوب بر عهده وصی یا ولی باشد. بنابراین، بر اساس این اطلاق می توان گفت که اگر صبی ممیز باشد، او می تواند به طور مستقل زکات را پرداخت کند؛ یعنی این استحباب برای صبی ممیز نیز ثابت است.

از سوی دیگر، آیه کریمه «وَابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ»^۱ به ما می گوید که دفع مال به صبی، به معنای در اختیار گذاشتن مال او، مقید به بلوغ النکاح است. بنابراین، این آیه شامل طفل ممیز نمی شود، زیرا طفل ممیز هنوز به سن بلوغ نرسیده است. بر این اساس، عموم این آیه شامل تمام اطفال، چه ممیز و چه غیر ممیز، می شود.

بنابراین، دفع اموال صبی دو شرط دارد: یکی بلوغ جنسی (بلوغ النکاح) و دیگری بلوغ عقلی «فان آنستم منهم رشداً». هر دو شرط باید محقق شود. به همین دلیل، نمی توان گفت که صبی می تواند به طور مستقل در مال خود تصرف کند و زکات غلات را پرداخت نماید، حتی اگر استحباب زکات برای او ثابت باشد.

لکن به نظر ما موثقه ابی بصیر، آیه را تخصیص می زند. در واقع، اگر ما بپذیریم که این عموم (مخصوص به وجوب زکات) بر عموم مخصص (آیه) مقدم است، در اینجا یک عموم عام داریم که می گوید «وَابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا» که شامل هر دو گروه، یعنی ممیز و غیر ممیز می شود. از سوی دیگر، «فأما الغلات فعليها الصدقة واجبة» نیز شامل صبی ممیز به طور مستقل از ولی و همچنین شامل صبی به صورت منضم به ولی می شود.

در نتیجه، می توان گفت که «فأما الغلات فعليها الصدقة واجبة» مطلق است و شامل حالتی می شود که صبی ممیز بخواهد به طور مستقل تصرف کند و زکات را پردازد. بنابراین، این دو متن (موثقه ابی بصیر و آیه کریمه) به نوعی در تعامل و تفسیر یکدیگر قرار دارند و باید در کنار هم مورد بررسی قرار گیرند.

در این بحث، عموم من وجهی شکل می گیرد. آیه «فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا» عمومی است که شامل هر دو گروه، یعنی ممیز و غیر ممیز، می شود. از طرف دیگر، عبارت «فأما الغلات فعليها الصدقة واجبة» نیز شامل صبی به طور مستقل از ولی و وصی و همچنین شامل صبی به صورت منضم به ولی و وصی می شود. به عبارت دیگر، این روایت اعم از این است که صبی با اذن ولی و وصی زکات را پرداخت کند یا بدون اذن آنها.

در اینجا، اگر ما قائل شویم که این عموم من وجه وجود دارد، باید توجه داشته باشیم که با وجود این عموم، روایت «فأما الغلات فعليها الصدقة واجبة» به دلیل اینکه در خصوص صدقات وارد شده و عبارت آن نیز مشتمل بر تأکید (واجبة)

است، دارای ظهور قوی تری است و مقدم می شود. این ظهور روایت در محل اجتماع، یعنی صبی ممیز مستقل از ولی و وصی، مقدم می شود.

آیه «حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا» به صراحت بیان می کند که اگر صبی به سن بلوغ نرسیده باشد، نباید اموالشان را به آنها واگذار کرد. بنابراین، این آیه به ما می گوید که صبی ممیز نیز در صورتی که به سن بلوغ نرسیده باشد، نباید اموالش به او داده شود.

با این حال، روایت «فَأَمَّا الْغُلَاتُ فَعَلَيْهَا الصَّدَقَةُ وَاجِبَةٌ» با اطلاق خود نشان می دهد که زکات از غلات می تواند به صبی ممیز نیز داده شود. بنابراین، اگر ما بپذیریم که ظهور روایت از ظهور آیه قوی تر است، می توانیم نتیجه بگیریم که عبارت «فَعَلَيْهَا الصَّدَقَةُ وَاجِبَةٌ» بر اطلاق آیه مقدم می شود، حتی اگر رابطه بین این دو دلیل عموم من وجه باشد.

به عبارت دیگر، اگر دلالت یکی از دو دلیل در محل اجتماع، قوی تر از دلالت دیگری باشد، آن دلیلی که دلالتش قوی تر است، می تواند به عنوان قرینه ای برای تخصیص دلالت دیگر عمل کند. بدین ترتیب، می توان گفت که زکات غلات می تواند به صبی ممیز پرداخت شود، هرچند که او هنوز به سن بلوغ نرسیده باشد.

در این بحث، باید به این نکته توجه کنیم که ملاک در تعیین قرینیت و اقواییت ظهور، نه صرفاً عموم و اطلاق، بلکه خود اقواییت ظهور است. برخی از فقها بر این باورند که اگر عموم با اطلاق تعارض کند، از آنجا که اطلاق متوقف بر عدم قرینه است، خود عموم می تواند به عنوان قرینه ای برای تفسیر اطلاق عمل کند. اما ما در محل خود بیان کردیم که این گونه نیست و ملاک اصلی در اینجا، اقواییت ظهور است.

اگر ظهور عام در محل اجتماع اقوی باشد، در این صورت می تواند به عنوان قرینه ای برای تفسیر اطلاق عمل کند. اما اگر ظهور عام در محل اجتماع قوی تر نباشد، دیگر قرینیتی برای اطلاق مطلق پیدا نخواهد شد و در این حالت، اطلاق مطلق بر عموم عام مقدم می شود، حتی اگر این اطلاق باشد.

با این حال، به نظر می رسد که نمی توان ادعا کرد که اقواییت ظهور روایت «فَعَلَيْهَا الصَّدَقَةُ وَاجِبَةٌ» در محل اجتماع وجود دارد. به عبارتی، نمی توان گفت که اطلاق این روایت از عموم آیه «حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا» قوی تر است. زیرا در این آیه، حد جواز دفع مال به صبی به وضوح بیان شده است و از آنجا که این آیه در مقام بیان حد یک حکم قرار دارد، خود این مقام بیان، به طور طبیعی موجب می شود که ظهور آن قوی تر از دلیلی باشد که فقط اطلاق دارد و در مقام بیان حد نیست.

به همین دلیل، می توان گفت که عموم آیه مقدم بر اطلاق روایت «فَعَلَيْهَا الصَّدَقَةُ وَاجِبَةٌ» است. در نتیجه، این روایت مقید به آیه «حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا» می شود. بنابراین، زکات غلات نمی تواند به صبی ممیز پرداخت شود مگر اینکه او به سن بلوغ رسیده باشد و در این صورت، شرایط لازم برای تصرف در اموال خود را دارا باشد.

با توجه به اینکه در بحث پیشین بیان کردیم که عبارت «فَعَلَيْهَا الصَّدَقَةُ وَاجِبَةٌ» به معنای استحباب مؤکد است، می توان ادعا کرد که آیه «حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا» از نظر دلالت در محل اجتماع قوی تر است. بنابراین، این آیه می تواند روایت را تقیید بزند یا به عبارت دیگر، می توان گفت که اصلاً اطلاق روایت در اینجا منعقد نمی شود.

در واقع، اطلاق «فعليها الصدقة واجبة» نمی تواند شامل صبی ممیز بدون اذن ولی و وصی شود. به همین دلیل، نتیجه گیری این است که اگر صبی دارای مالی باشد که از آن غلاتی به دست می آورد یا مالی داشته باشد که در آن تجارت می کند، او نمی تواند بدون اذن ولی و وصی حتی زکات مستحب را نیز پرداخت کند. با این حال، اگر صبی با اذن ولی و وصی بخواهد زکات مال خود را پرداخت کند، می تواند این کار را انجام دهد. در این صورت، پرداخت زکات به عنوان یک عمل مستحب مؤکد مجاز خواهد بود و این امر مطابق با روایتی است که در این زمینه بیان شده است.

فرع چهارم: امکان اخراج صدقه مستحبه توسط صبی ممیز

در این فرع، به بررسی این موضوع می پردازیم که آیا صبی ممیز می تواند صدقه مستحبه معمولی را از مال خود خارج کند یا خیر. پیش از این روشن شد که صبی ممیز نمی تواند زکات متعارف را، چه به صورت واجب و چه به صورت مستحب، از غلات و اموال تجاری خود استخراج کند.

حال سؤال این است که آیا این صبی ممیز می تواند صدقه مستحبه را از مال خود خارج کند؟ به عبارت دیگر، آیا او می تواند بدون اذن ولی و وصی، صدقه ای به عنوان عمل مستحب از مال خود پرداخت کند؟

صحیح زرارہ

به استناد صحیح زرارہ از امام باقر علیه السلام که صدوق آن را روایت کرده است:

عن صفوان بن یحیی عن موسی بن بکر عن زرارة عن ابي جعفر علیه السلام قال:

«إِذَا أُنِيَ عَلَى الْعُلَامِ عَشْرُ سِنِينَ فَإِنَّهُ يَجُوزُ لَهُ فِي مَالِهِ مَا أَعْتَقَ أَوْ تَصَدَّقَ أَوْ وَصَى عَلَى حَدِّ مَعْرُوفٍ وَحَقِّ فَهُوَ جَائِزٌ»^۱

در موسی بن بکر اختلاف است که آیا ثقه است یا نه؟ منتها چون صفوان بن یحیی از او روایت می کند و همچنین به ادله دیگر موسی بن بکر به نظر ما ثقه است. روایت به نظر ما صحیح است.

این روایت به ما می گوید که وقتی پسر به سن ده سالگی رسید، می تواند از مال خود صدقه مستحبه (انفاق مستحبه) بدهد، بدون اینکه نیازی به اذن کسی داشته باشد.

در اینجا، سن ده سالگی به عنوان یک حد تمیز مطرح شده است. به عبارت دیگر، این سن به طور خاص به عنوان یک معیار در نظر گرفته شده است، زیرا معمولاً در این سن، بچه ها قادر به انجام معاملات خرید و فروش هستند. این نشان دهنده این است که در خانواده ها، بچه ها در این سن برای خرید و فروش، مانند خرید نان یا گوشت، فرستاده می شوند. بنابراین، سن ده سالگی به عنوان یک حد متعارف برای بلوغ تمیز شناخته می شود.

لازم به ذکر است که سن ده سالگی به طور خاص دارای خصوصیت نیست و اگر بچه ای در سن ۹ سالگی به حد تمیز رسیده باشد و توانایی خرید و فروش را داشته باشد، باز هم می تواند به عنوان یک صبی مستقل عمل کند و صدقه مستحبه را از مال خود خارج کند.

بر اساس آنچه بیان شد، صبی ممیز می‌تواند صدقه مستحبه‌ای از مال خود بدهد. این اجازه به‌ویژه در مواردی که عرف به او حق تصرف در مال خود را می‌دهد، معتبر است. به عبارت دیگر، صبی که به سن ده سالگی رسیده است، می‌تواند تا حدی که عرف به او اجازه می‌دهد، در مال خود تصرف کند.

محدوده تصرفات صبی ممیز

این محدوده تصرفات به‌ویژه در خرید و فروش مشهود است؛ به طور مثال، صبی ده ساله می‌تواند برای خرید نان، گوشت یا پیاز فرستاده شود، اما او را برای خرید خانه یا ماشین نمی‌فرستند. این نشان می‌دهد که عرف در مورد تصرفات مالی، برای صبی ممیز محدودیت‌هایی قائل است. «عَلَى حَدِّ مَعْرُوفٍ»

بنابراین، اگر صبی بخواهد صدقه‌ای به مبلغی معقول، مانند ۱۰۰ یا ۲۰۰ هزار تومان، از مال خود بدهد، نیازی به اذن ولی و وصی ندارد. اما اگر بخواهد مبلغی کلان، مانند یک میلیارد تومان، به عنوان صدقه پرداخت کند، در این صورت، به نظر می‌رسد که اطلاق روایت شامل این نوع تصرف نمی‌شود. در واقع، عبارت «عَلَى حَدِّ مَعْرُوفٍ وَ حَقِّ» به معنای این است که عرف به صبی حق می‌دهد که در این محدوده از مال خود تصرف کند.

با این حال، اگر صبی بخواهد به عنوان زکات مستحبه اقدام کند، اینجا جای اشکال وجود دارد. همان طور که قبلاً اشاره شد، به نظر می‌رسد که دلیل شامل صبی ممیز نمی‌شود. بنابراین، صبی ممیز می‌تواند از مال خود صدقه مستحبه بدهد، به شرطی که این مبلغ در حدی باشد که عرف برای او اختیاراتی قائل است.

اما اگر بخواهد همین مقدار را به عنوان زکات واجب یا زکات مستحبه پرداخت کند، این کار جایز نیست. به عبارت دیگر، زکاتی که در اصل واجب است، حتی اگر به عنوان زکات مستحبه نیت شود، نمی‌تواند توسط صبی ممیز پرداخت شود.

در نهایت، می‌توان گفت که صبی ممیز می‌تواند به عنوان انفاق فی سبیل الله و صدقه مستحبه، در حد محدودی که عرف برای او قائل است، از مال خود پرداخت کند، اما نمی‌تواند به عنوان زکات، چه واجب و چه مستحب، اقدام کند. این محدودیت‌ها به دلیل ضرورت رعایت حقوق ولی و وصی و همچنین حفظ منافع مالی صبی است.

و صلّی الله علی محمد و آله الطاهرين